



University of Tehran Press

## Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

# An Examination of the Innovations of the Beijing Treaty on Audiovisual Performances 2012

Seyyed Hassan Shobeiri Zanjani 

Department of Private Law and Intellectual Property, Faculty of Law, university of Qom, Qom, Iran. Email: [shshobeiri@qom.ac.ir](mailto:shshobeiri@qom.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:** January 01, 2026

**Revised:** February 06, 2026

**Accepted:** April 18, 2026

**Published online:** 19 May 2026

**Keywords:**

Beijing Treaty,  
Audiovisual performances, performers' rights,  
Film actor,  
Folkloric performer.

### ABSTRACT

This article examines the protection of performers—particularly actors and individuals involved in folkloric and audiovisual performances—as a relatively recent development in domestic and international law. While the 1961 Rome Convention and the 1996 WIPO Performances and Phonograms Treaty recognized certain performer rights, protection for audiovisual performers remained insufficient until the adoption of the 2012 WIPO Beijing Treaty on Audiovisual Performances. The Beijing Treaty grants performers exclusive economic rights in both fixed and unfixed performances and ensures the safeguarding of their moral rights. Through the principle of national treatment, it guarantees equal protection for foreign performers in member states. The treaty also allows national legislation to presume the transfer of economic rights from performers to producers and imposes obligations concerning technological protection measures and rights-management information. Employing a descriptive-analytical method, this study outlines the treaty's structure and highlights its key innovations in strengthening international protection for audiovisual performers.

**Cite this article:** Shobeiri Zanjani, H. (2025-2026). An Examination of the Innovations of the Beijing Treaty on Audiovisual Performances 2012. *Private Law*.22 (2), 195-208. <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.409271.1007446>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

**Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.409271.1007446>



## نگاهی به نوآوری‌های معاهده حمایت از اجراهای دیداری- شنیداری پکن ۲۰۱۲

سید حسن شبیری زنجانی

دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی و مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: [shshobeiri@shshobeiri@qom.ac.ir](mailto:shshobeiri@shshobeiri@qom.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

#### کلیدواژه:

اجراکننده اثر فولکلوریک،

اجراهای دیداری- شنیداری،

بازیگر اثر سینمایی،

حقوق اجراکننده، معاهده پکن.

حمایت از اجراکنندگان، نظیر بازیگران و اجراکنندگان آثار فولکلوریک، از موضوعات نسبتاً نوپیدا در قوانین داخلی و بین‌المللی است. گرچه کنوانسیون ۱۹۶۱ رم و معاهده حقوق مرتبط ۱۹۹۶ مقرراتی را درباره حقوق این دسته از اشخاص وضع کرده‌اند، در خصوص اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری حمایت حقوقی با محدودیت‌هایی مواجه است. با این حال، در سال ۲۰۱۲ وایپو توانست با تصویب معاهده پکن به یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های خود در زمینه حمایت بین‌المللی و داخلی از اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری نائل شود. این معاهده حقوق انحصاری مادی اجراکنندگان را در اجراهای ضبط‌شده و ضبط‌نشده مورد شناسایی قرار می‌دهد و از حقوق معنوی اجراها و اجراکنندگان نیز حمایت می‌کند؛ افزون بر این، با پیش‌بینی اصل رفتار ملی در معاهده، اجراکنندگان کشورهای مختلف از حمایت مشابه در کشورهای عضو بهره‌مند می‌شوند. معاهده به کشورها اجازه می‌دهد در صورت تمایل در قوانین ملی خود فرض انتقال حقوق مادی از اجراکننده به تولیدکننده را بیان کنند و با پیش‌بینی الزامات مربوط به تدابیر فنی حمایت و حقوق مدیریت اطلاعات حقوق اجراکنندگان را در فضای مجازی تضمین می‌کند. پژوهش جاری با روش تحلیلی- توصیفی، ضمن توصیف دقیق معاهده اشاره‌شده، درصدد بیان نوآوری و ابتکارات این معاهده است.

استناد: شبیری زنجانی، سید حسن (۱۴۰۴). نگاهی به نوآوری‌های معاهده حمایت از اجراهای دیداری- شنیداری پکن ۲۰۱۲. *حقوق خصوصی*، ۲۲ (۲) ۱۹۵-۲۰۸. <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.409271.1007446>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.409271.1007446>

**مقدمه**

در نتیجه تلاش‌های دوازده‌ساله سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، اجلاس سیاسی وایپو در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ در پکن با حضور نمایندگان بیش از صد و بیست کشور جهان معاهده‌ای را به تصویب رساند که هدفش حمایت از اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری بود. این معاهده در واقع نخستین معاهده جهانی است که تا کنون به صورت گسترده و یکپارچه درصدد حمایت بین‌المللی از این گروه از دست‌اندرکاران صنعت فیلم برآمده است و این در حالی است که تا قبل از آن همه موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی- مانند معاهده حمایت از اجراکنندگان ۱۹۹۶ وایپو، موافقت‌نامه تریپس ۱۹۹۴، کنوانسیون رم ۱۹۶۱، مورد یادشده را از قلمرو حمایت استثنا کرده بودند. این معاهده برای اولین بار فهرست جامعی از حقوق مادی اجراکنندگان را ارائه می‌دهد و حقوق معنوی را نیز برای آنان به رسمیت می‌شناسد. معاهده با پیش‌بینی حقوق مدیریت اطلاعات<sup>۱</sup> و الزامات مربوط به تدابیر فنی<sup>۲</sup> حقوق اجراکنندگان را در فضای مجازی تضمین و به آن‌ها حق اقامه دعوی علیه ناقضین حقوق را نیز اعطا می‌کند. با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری و توسعه صنعت فیلم در کشور ایران پیوستن به یک معاهده بین‌المللی حمایت از اجراهای دیداری- شنیداری، در صورت تأمین منافع کشور، می‌تواند مطلوب باشد. در این پژوهش، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که به‌رغم وجود کنوانسیون‌هایی در موضوع حمایت از حقوق مرتبط و حقوق اجراکنندگان قبل از کنوانسیون پکن، عامل و انگیزه اصلی شکل‌گیری کنوانسیون پکن در حمایت از اجراکنندگان چه بوده است و این کنوانسیون از اشخاص یادشده چگونه حمایت می‌کند. به دیگر سخن، پرسش اصلی فراروی این مقاله تحقیق درباره نوآوری‌ها و ابتکارات ویژه این معاهده در مقایسه با معاهدات پیشین است. در این زمینه در نوشتار پیش رو ابتدا پیشینه حمایت از حقوق اجراکنندگان و مسیر منتهی به انعقاد معاهده پکن را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم و سپس مواد معاهده را با تفصیل بیشتری تحلیل خواهیم کرد.

**پیشینه حمایت از اجراکنندگان آثار سینمایی در مقررات بین‌المللی**

حقوق اجراکنندگان و اجراها به شکل رسمی نخستین بار به موجب کنوانسیون رم ۱۹۶۱، که اولین معاهده بین‌المللی مخصوص حقوق مرتبط است، و معاهده اجراها و آثار صوتی وایپو ۱۹۹۶<sup>۳</sup>، که متعاقباً سطح حمایت از اجراکنندگان را ارتقا بخشیده و ضمن شناسایی حقوق مادی- چون حق انحصاری ضبط، تکثیر، توزیع، و پخش امواج رادیویی- حقوق معنوی- چون حرمت نام و حرمت اثر- نیز برای آنان شناخته است، مورد توجه قرار گرفت (صادقی و پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۵۱). با این همه، پیش از این نیز در اواخر قرن ۱۹ در سال ۱۸۸۳ نویسندگان و ناشران و نمایندگان آثار ادبی و هنری از کشورهای مختلف گرد هم آمدند تا برای نخستین بار مقرراتی بین‌المللی جهت حمایت از آثار خلاق نویسندگان و هنرمندان وضع کنند که نتیجه آن تصویب کنوانسیون برن در حمایت از آن‌ها در سال ۱۸۸۶ بود. اما در ابتدای قرن ۲۰، که صنعت فیلم صامت و پس از آن صنعت عکاسی پا به عرصه وجود گذاشت، برای اولین بار اجرای اجراکنندگانی نظیر هنرپیشگان و خوانندگان روی حامل‌هایی فیزیکی- نوار ضبط- تثبیت شد و این حامل‌ها در حجم انبوهی تکثیر شد و در سطح گسترده داخلی و حتی بین‌المللی در اختیار مخاطبان قرار گرفت و بدین سان بود که اتحادیه برن، سازمان بین‌المللی کار، و یونسکو درصدد تدارک کنوانسیون‌های جهت حمایت از اجراکنندگان برآمدند که به تصویب کنوانسیون رم در سال ۱۹۶۱ منجر شد (Masouyé, 1981: 15). گرچه کنوانسیون رم نخستین موافقت‌نامه بین‌المللی در موضوع حقوق مرتبط با کپی‌رایت بود که مقرراتی جهت حمایت‌های حداقلی از اجراکنندگان آثار کپی‌رایتی در آن گنجانده شده بود، این کنوانسیون حمایت خود را عمدتاً به اجراکنندگان آثار صوتی معطوف داشت و در خصوص موضوع مورد بحث، یعنی اجراکنندگان فیلم‌ها و آثار سینمایی، حمایت از این دسته از اشخاص را به‌صراحت در ماده ۱۹ محدود ساخت (Zhou, 2014: 107-110). دلیل اصلی این امر مخالفت ایالات متحده آمریکا با حمایت از اجراکنندگان فیلم به دلیل عدم تمایل صنعت فیلم‌سازی آن کشور با این موضوع بود. در این ماده مقرر شده است حمایت حداقلی پیش‌بینی‌شده در ماده ۷ کنوانسیون برای اجراکنندگان شامل آن گروه از اجراکنندگانی که رضایت خود را به تثبیت اجرایشان در آثار تصویری یا صوتی تصویری اعلام

1. rights management information

2. obligations concerning technological measures

3. WIPO performances and phonograms treaty 1996 (WPPT)

کرده‌اند نمی‌شود. مشابه همین روند در بندهای ۱ و ۴ ماده ۴ موافقت‌نامه حمایت از جنبه‌های اقتصادی حقوق مالکیت فکری (تریپس) ۱۹۹۴ دنبال شد و حقوق اجراکنندگان در این معاهده نیز مورد شناسایی قرار نگرفت (SCCR Secretariat, 2009: 6).

سومین موقعیت درج مقررات حمایتی از اجراکنندگان مرتبط با آثار دیداری- شنیداری معاهده ۱۹۹۶ حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار شنیداری (صوتی) وایپو بود که یکی از اهداف آن به‌روزرسانی استانداردهای بین‌المللی حمایت از اجراکنندگان آثار شنیداری بود. طبق این معاهده، صد و بیست و هفت دولت تلاش کردند که حقوق اجراکنندگان را بدین طرق توسعه دهند:

۱. اضافه کردن اجراکنندگان آثار فرهنگ عامه در محدوده معاهده؛<sup>۲</sup> اعطای حق عرضه به عموم آثار به اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری؛<sup>۳</sup> اعطای حقوق معنوی به اجراکنندگان؛<sup>۴</sup> در نظر گرفتن حداقل مدت حمایت پنجاه سال (WIPO, 1996: 76).

این معاهده برای اجراکنندگان آثار شنیداری نوعی لطف و حرکت رو به جلو محسوب می‌شد. چون علاوه بر اعطای حقوق یادشده مادی به اجراکنندگان آثار شنیداری حقوق معنوی را نیز برای آن‌ها پیش‌بینی کرده بود (Bernard, 2002: 1094).

همچنین حقوق انحصاری در زمینه کنترل هر نوع عرضه به عموم آثار ضبط‌شده با هر روشی، از جمله سرویس‌های برخط<sup>۱</sup> و برتقاضا<sup>۲</sup>، را پیش‌بینی کرده بود. معاهده حقوق مرتبط وایپو اعضا را ملزم می‌کرد که حق اجراکنندگان در زمینه توزیع و عاریه عمومی را در خصوص برنامه‌های کامپیوتری، فیلم‌ها، و آثار آوانگاشت به طور محدود بپذیرند. مواد مربوط به حقوق مدیریت اطلاعات و آیین‌های ضمانت اجرا، که از تحریف آثار با استفاده از ابزارهای فنی و نقض حق تکثیر جلوگیری می‌کند، نیز در این معاهده راه یافتند. اما، با وجود اینکه معاهده یادشده یک گام مهم به سمت هماهنگ‌سازی حمایت از اجراکنندگان آثار شنیداری محسوب می‌شد، این معاهده نیز مانند کنوانسیون رم اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری و حقوق آن‌ها را مورد شناسایی قرار نداد و بسیاری از اشخاص و گروه‌ها به دلیل این خلأ از حمایت بازماندند که با مراجعه به مذاکرات مقدماتی آن می‌توان به‌وضوح دلیل این خلأ را فشارها و اصرارهای امریکا دانست (Arnold, 1997: 35). از آنجا که نمایندگان ایالات متحده امریکا تحت تأثیر نفوذ سیاسی تولیدکنندگان هالی‌وودی قرار داشتند، با هر گونه حمایت از اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری، جز آنچه در قوانین کار<sup>۳</sup> آمده بود یا انجمن هنرمندان صحنه<sup>۴</sup> اعلام کرده بودند، مخالف بودند. در واقع، در این معاهده نیز امریکا، به عنوان بزرگ‌ترین دارنده صنعت فیلم‌سازی و صادرکننده فیلم در جهان، برخلاف دیگر کشورها، تلاش کرد اجراکنندگان فیلم را از تحت حمایت معاهده خارج کند (Bernard, 2002: 1094). در مقابل، دو پیشنهاد دیگر از سوی کشورها مطرح شده بود؛ نخست اینکه معاهده همه اجراکنندگان را بدون استثنا در بر گیرد و دوم اینکه معاهده تنها شامل اجراکنندگان آثار موسیقایی- صوتی شود. اما پیشنهاد امریکا پیشنهادی کاملاً متفاوت بود؛ به موجب این پیشنهاد، اصل و اماره اولیه بر انتقال حقوق اجراکننده به تهیه‌کننده فیلم است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. البته پیشنهاد یادشده مورد موافقت سایر کشورها قرار نگرفت. با اصرار کشورها بر مواضع خود بیم این می‌رفت که تصویب معاهده به طور کامل به شکست بینجامد که برای احتراز از این نتیجه نامطلوب قرار شد اشخاص یادشده از قلمرو حمایتی معاهده خارج شوند و در عوض حمایت از اجراکنندگان آثار سینمایی موضوع دستور جلسات بعدی وایپو باشد و حتی این نظر مطرح شد که تا قبل از ۱۹۹۸ در قالب پروتکل معاهده ۱۹۹۶ از آن‌ها حمایت به عمل آید (WIPO, 1996: 1, 2).

اما به دلیل اختلاف فراوان کشورها پروتکلی تصویب نشد. سرانجام در سال ۲۰۰۰ تحول جدیدی در این حوزه صورت گرفت. در این سال، وایپو کنفرانس دیپلماتیکی در موضوع حمایت از اجراکنندگان آثار صوتی- تصویری<sup>۵</sup> با حضور نمایندگان بیش از صد و بیست کشور و نمایندگان شرکت‌های فیلم‌سازی، به‌ویژه انجمن هنرمندان صحنه و انجمن فیلم امریکا، ترتیب داد که حاصل آن تنها تصویب مقررات موقتی ۱۹ ماده‌ای بود؛ بدون اینکه به تصویب معاهده‌ای جهانی منجر شود (Bernard, 2002: 1092). برخی از این مقررات، بدون بحث و مجادله جدی، مورد موافقت همگان قرار گرفت؛ درحالی‌که پاره‌ای دیگر از آن‌ها تنها بعد از مباحثات و منازعات فراوان به تصویب جمع رسید که از جمله آن‌ها می‌توان به موضوعات مربوط به حقوق معنوی

1. online

2. on demand

3. labor law

4. Screen Actors Guild (SAG)

5. Diplomatic Conference on the Protection of Audiovisual Performances 2000 (December)

۶. تعداد مواد پیشنهادشده جهت تصویب بیست ماده بود که تصویب یک ماده آن موکول به نشست‌های بعدی شد.

اجراکنندگان اشاره کرد. با وجود این، یکی از موضوعات اساسی که نتوانست اجماع حاضرین را به همراه داشته باشد و ادامه بحث درباره آن به آینده موکول شد موضوع «پیش‌فرض انتقال حقوق مادی از اجراکننده به تهیه‌کننده» بود. در این خصوص، گرچه پیشنهادها متنوعی از سوی نمایندگان کشورها مطرح شد، هیچ‌یک از آنها نتوانست فاصله فراوانی که میان نظرات ایالات متحده آمریکا از یک سو و سایر کشورها از سوی دیگر وجود داشت را از بین ببرد یا کاهش دهد. به دلیل اختلافات یادشده، مدیر کل وقت وایپو ترجیح داد از به رأی گذاشتن این مقررات در آن جلسه خودداری ورزد و به همین دلی معاهده‌ای در آن تاریخ به تصویب نرسید. اما، در جلسه عمومی، رئیس جلسه بیانیه‌ای را بدین شکل قرائت کرد که می‌توان آن را نتیجه و برآیند کنفرانس یادشده به حساب آورد: «اجلاس سیاسی اعلام می‌کند مقررات ۱۹ ماده‌ای مورد موافقت موقت اعضا قرار گرفت و کنفرانس این توصیه را به همه نمایندگان کشورهای عضو وایپو می‌کند که در سال ۲۰۰۱ مجدداً به منظور تصویب موارد اختلافی باقی‌مانده تشکیل جلسه دهند.» (WIPO, 1996: 1, 2). البته، برخلاف توصیه یادشده، ده سال بعد از زمان پیش‌بینی‌شده، یعنی در سال ۲۰۱۱، مجمع عمومی وایپو سرانجام تصمیم گرفت کنفرانس یادشده را در سال ۲۰۱۲ تشکیل دهد. علت این تأخیر این بود که طی این ده سال موضع هیچ‌یک از کشورها تغییر نکرده بود. بنابراین هیچ امیدواری به ازسرگیری مذاکرات نبود. تا اینکه بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، به دنبال مذاکرات اعضای مؤثر و کلیدی وایپو با صنف اجراکنندگان آمریکا از یک سو و تهیه‌کنندگان آمریکایی از سوی دیگر، پیشرفت جدیدی در این حوزه به وجود آمد که منتج به درج ماده‌ای مستقل در ارتباط با «انتقال حقوق اجراکنندگان» در مقررات موقت یادشده توسط کمیته دائمی کمی‌رایت و حقوق مرتبط وایپو (اس.سی.سی.آر.) شد (WIPO, 2011: 37-39).

علاوه بر موضوع اختلافی انتقال حقوق، موضوعات دیگری نیز مورد مناقشه بین کشورها بود که از جمله آنها می‌توان به موضوع مفتوح بودن یا نبودن بحث و مذاکره درباره ۱۹ مقرر مصوب در جلسات پیشین وایپو اشاره کرد. نمایندگان برزیل و دیگر کشورهای در حال توسعه درباره به بحث گذاشتن مجدد مصوبات قبلی در کنفرانس ۲۰۰۰ اصرار می‌ورزیدند. با توجه به سیاست کلی کاستن حمایت از پدیدآورندگان و اشخاص مرتبط با آنها، که کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر در پیش گرفته‌اند، بیم آن می‌رفت که وایپو با تأکید و اصرار آنها بر به حداقل رساندن میزان حمایت مقررشده از اجراکنندگان در کنفرانس ۲۰۰۰ مواجه شود که به دلیل مخالفت کشورهای توسعه‌یافته با آن بار دیگر تشکیل کنوانسیون حمایت از آنها به شکست انجامید. از این رو کشورهای اروپایی، که ابتدا موافق مفتوح بودن مذاکرات بودند، با دیگر کشورهای توسعه‌یافته هم‌سو شدند و مخالف باز بودن بحث درباره ۱۹ ماده یادشده شدند. اما برای اینکه نظر برزیل و دیگر کشورهای در حال توسعه جلب شود این‌گونه مصالحه شد که در مقدمه کنوانسیون، که دربردارنده چارچوب‌های کلی معاهده است، نیز در مواد ۱ و ۲ و ۱۵، یعنی درباره رابطه بین دو معاهده حقوق مرتبط وایپو و موافقت‌نامه تریپس، تعریف هنرمند اجراکننده و محدودیت‌ها، بندهایی به منظور منافع آنها و در موافقت با آنها گنجانده شود.

سرانجام، این جریان به‌ظاهر بی‌پایان حمایت از اجراکنندگان فیلم بعد از پنجاه سال کشمکش و اختلاف در سطح بین‌المللی، درحالی‌که اغلب کشورها در سطح ملی حمایت خود را به اجراکنندگان آثار سینمایی توسعه داده بودند، در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲ با تصویب «معاهده پکن»<sup>۲</sup> در موضوع حمایت از اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری» در کشور چین و با حضور اعضای وایپو، اتحادیه اروپا، شش سازمان نیمه‌دولتی، چهل و پنج سازمان غیر دولتی، و امضای صد و بیست و سه کشور<sup>۳</sup> به پایان رسید که مفاد آن ۱۹ ماده موقت مصوب در کنفرانس ۲۰۰۰ به همراه این تغییرات بود: ماده جدید ۱۲ درباره انتقال حقوق اجراکننده به تهیه‌کننده، مقررات نهایی و اداری، یک بند اضافی در مقدمه معاهده، و سه بند در مواد یادشده ۱ و ۲ و ۱۵. به طور خلاصه می‌توان گفت این کنفرانس برای نخستین بار حمایت جامع و گسترده‌ای را برای اجراکنندگان یادشده در سطح بین‌المللی

1. Standing Committee on Copyright and Related Rights (SCCR)

۲. ذکر شهر پکن در نام معاهده به منظور یادآوری محل آخرین دور مذاکرات است.

۳. از میان اعضای وایپو، چهل و هشت عضو در همان کنفرانس موافقت‌نامه یادشده را امضا کردند و یک سال بعد بیست و چهار عضو دیگر تمایل خود را به الحاق به معاهده یادشده در آینده نزدیک اعلام کردند.

پیش‌بینی کرد (Lewinski, 2012: 539-546). طبق مفاد معاهده، سه ماه بعد از تودیع سند تصویب یا الحاق به معاهده توسط دست‌کم سی کشور این معاهده لازم‌الاجرا خواهد شد.

## اهداف

به‌راستی اجراکنندگان گروه مهمی از هنرمندان هستند که نقشی انکارناپذیر در چگونگی و کیفیت عرضه اثر ادبی-هنری به جامعه دارند و در عمل نیز همین عملکرد آن‌هاست که در شکست یا موفقیت اثر نقشی مثال‌زدنی دارد (کشاورز و خاقانی، ۱۴۰۱: ۱۷۲). معاهده پکن نیز در امتداد این اسناد قرار دارد و در تکمیل مفاد آن‌ها اهدافی را دنبال می‌کند:

- به اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری حقوق مادی حداقلی را اعطا می‌کند که شامل حق انحصاری تکثیر، حق توزیع، حق اجاره عمومی، حق در معرض استفاده عموم قرار دادن اثر، و حق پخش رادیو-تلویزیونی اثر و به اطلاع عموم رساندن اثر در دوره پنجاه ساله است. در مورد آثار دیداری-شنیداری حرفه‌ای و پیشرفته، بسیاری از قراردادها متضمن پیش‌فرض انتقال حقوق مادی اثر به تهیه‌کننده فیلم است.

- طبق این معاهده، اجراکنندگان یادشده از حداقل دو حق معنوی برخوردارند: حق انتساب و حق اعتراض به تغییر در اثر (حق حرمت اثر). این حقوق معنوی غیر قابل انتقال است و این تضمین را به اجراکننده می‌دهد که اجرای او هنگامی که توسط دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد از لحاظ انتساب آنان به دیگران یا تغییر و تحریف مورد حمایت حقوقی است.

- معاهده، با به رسمیت شناختن حقوق اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری، سطح عالی حمایت در بعد بین‌المللی را به آن‌ها اعطا می‌کند و بدین طریق با ایجاد چارچوب حقوقی بین‌المللی جایگاه این دسته از اجراکنندگان را بین سایر دست‌اندرکاران صنعت فیلم شفاف‌تر می‌کند و ارتقا می‌بخشد. مثلاً، در گذشته میزان حمایت بین‌المللی از بسیاری از بازیگران فیلم در سطح تهیه‌کنندگان نبود و اغلب آن‌ها برای پخش رادیو-تلویزیونی اجراایشان در دیگر کشورها از دریافت حقوق مادی محروم بودند. همچنین، معاهده یادشده برای اشخاص اشاره‌شده حمایت حقوقی در محیط دیجیتال و فضای بدون مرز مجازی فراهم آورده است.

- معاهده در تلاش است اطمینان حاصل کند که اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری، به عنوان یک طبقه مجزا، سهم منصفانه‌ای از درآمد آثار دیداری-شنیداری را، چه در کشور مبدأ چه در سایر کشورها، به دست می‌آورند. به عبارت دیگر، هدف حمایت این معاهده از اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری این نیست که حقوق اجراکنندگان را به عنوان یک طبقه ثانوی حقوق و به صورت مشترک با حقوق تولیدکنندگان آثار دیداری-شنیداری در نظر بگیرد. در غیر این صورت، هیچ نیاز یا ضرورتی وجود نداشت که در خصوص آثار دیداری-شنیداری یک ابزار قانونی بین‌المللی مافوق کنوانسیون‌های فعلی حقوق مؤلف تأسیس شود.

- معاهده پکن تبعیض‌های غیر قابل تضمین و بی‌مورد را میان اجراکنندگان آثار شنیداری، که قبلاً با دو معاهده بین‌المللی (۱۹۶۱ رم و ۱۹۹۶ واپپو) حمایت می‌شدند، و اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری، که تا سال ۲۰۱۲ تماماً کنار گذاشته شده بودند، از بین می‌برد. با آشکار شدن تبعیض میان اجراکنندگان آثار شنیداری و اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری در سطح بین‌المللی، بسیاری از کشورها نیز از پیش‌بینی حمایت‌های مالکیت فکری نسبت به اجراکنندگان آثار دیداری-شنیداری خودداری کردند که این موضوع خود منجر به وضعیت‌های نامطلوبی شده بود؛ مثل این فرض که به موجب قوانین پیشین ضبط شنیداری از یک اجرای زنده حمایت می‌شد، درحالی‌که ضبط همان اثر در قالب اثر دیداری-شنیداری حمایت نمی‌شد. با تصویب معاهده پکن، هر دو دسته اجراکنندگان پیش‌گفته در حال حاضر در سطح بین‌المللی حمایت می‌شوند (FIA, 2013: 2).

## اصول حاکم بر معاهده

اصول معاهده را می‌توان در سه دسته «اصل رفتار ملی»، «اصل عمل متقابل»، و «اصل عدم تشریفات» قرار داد که در ادامه به بررسی این اصول پرداخته می‌شود.

## اصل رفتار ملی<sup>۱</sup>

اصل کلی رفتار ملی اساساً به معنی عدم امکان رویکرد تبعیض‌آمیز اعضای یک معاهده در تعامل با اتباع خود و اتباع سایر اعضاست؛ با این توضیح که این اصل متناسب با موضوعات تحت شمول معاهده می‌تواند نمودها یا پیامدهای گوناگونی داشته باشد (صادقی و سلیمان‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۶ - ۵۸). به طور کلی مواد مربوط به اصل رفتار ملی در معاهده پکن با الگوبرداری از مدل معاهده حقوق مرتبط و ایپو نوشته شده است. اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا بر سر دامنه ماده مربوط به اصل رفتار ملی نیز با هم اختلاف داشتند؛ آمریکا خواستار تفسیر موسع از اصل رفتار ملی بود به گونه‌ای که همه حقوق مرتبط دیداری- شنیداری را در بر بگیرد و در مقابل اروپا خواستار تفسیر مضیق این ماده بود. نمایندگان اتحادیه اروپا بیان داشتند که تنها حقوقی که به صراحت در معاهده ذکر شده است باید موضوع اصل رفتار ملی قرار بگیرد (Bernard, 2002: 1105). در نهایت، ماده ۴ با لحاظ پیشنهادهای ارائه شده از سوی طرفین تنظیم شد.<sup>۲</sup>

در واقع، با توجه به اینکه هدف معاهده پکن ایجاد یک هماهنگی اساسی در حقوق مالکیت فکری برای اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری در سطح بین‌المللی است، اعطای حقوق به‌تنهایی برای رسیدن به این هدف کافی نیست. اگر طرفین معاهده آزاد باشند و بتوانند بین اجراهای خود (داخلی) و دیگران (خارجی) تفاوت بگذارند، چنین هدفی محقق نمی‌شود. از این رو، اصل رفتار ملی هسته مرکزی و اصلی معاهده محسوب می‌شود و معلوم می‌کند حقوق در کجا هماهنگ می‌شوند و کشورها ملزم‌اند با ذی‌نفعان (مثلاً اجراکنندگانی که اتباع یا مقیمان قانونی سایر کشورهای عضو هستند) به طور یکسان و آن گونه که با اتباع خود رفتار می‌کنند رفتار کنند. در نتیجه این وضعیت، امتیازات پیش‌بینی شده در معاهده در سطح ملی به موجب نص صریح ماده ۴ معاهده موضوع رفتار ملی است و به اتباع سایر کشورها هم اعطا می‌شوند. اصل رفتار ملی در حقوق انحصاری که به طور ویژه در معاهده اعطا شده‌اند و حق پاداش منصفانه که در ماده ۱۱ پیش‌بینی شده اعمال می‌شود. الزام به اصل رفتار ملی ممکن است با اصل عمل متقابل جایگزین شود که در ادامه بدان می‌پردازیم.

## اصل عمل متقابل<sup>۳</sup>

عمل متقابل نیز اصلی ناظر بر رفتار میان دو دولت است با این توضیح که اتباع دولت دیگر در صورتی از امتیازات معین بهره‌مند می‌شوند که دولت دیگر نیز این امتیازات را برای اتباع دولت نخست پیش‌بینی کند (حدادی و واحدی، ۱۳۹۶: ۳۲۷). عمل متقابل واژه‌ای نیست که بتوان آن را در معاهده یافت. این اصطلاح به طور کلی اشاره به موقعیت‌هایی دارد که یک کشور به منظور ایجاد حمایتی مشابه در ارتباط با اجراکنندگان سایر کشورها اعمال می‌کند. معاهده پکن گاهی به هماهنگی کامل دست نمی‌یابد. لیکن به دولت‌های عضو معاهده اجازه می‌دهد هر دامنه‌ای از انواع بهره‌برداری را که می‌خواهند مورد حمایت قرار دهند. فرض «عمل متقابل» با وجود اینکه الزامی نیست در چنین فرضی می‌تواند به کار برده شود. مثلاً چنانچه از یکی از اعضای معاهده درخواست شود از اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری کشور دیگر حمایت کند و کشور نخست در ارتباط با اجراکنندگان خارجی حمایت‌های کمتری را به عمل آورد عمل متقابل کشور دوم را قادر می‌سازد که در صورت تمایل رفتاری دقیقاً مشابه را در ارتباط با اجراکنندگان کشور دیگر به همان صورتی که این کشور در ارتباط با اتباع کشور نخست اعمال می‌کند به کار برد. در این مثال کشور دوم باید تصمیم بگیرد در صورتی که به عدم حمایت از پخش و عرضه به عموم اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری ادامه دهد، اتباع آن کشور نیز ممکن است با همین رفتار مشابه مواجه شوند؛ هرچند کشور اخیر از حق پخش و عرضه به عموم اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری حمایت می‌کند.

### 1. national treatment

۲. متن ماده بدین شرح است: «۱. اعضا مکلف‌اند در مورد حقوق انحصاری که به طور خاص در معاهده اعطا شده و حق دریافت پاداش منصفانه که در ماده ۱۱ پیش‌بینی شده در ارتباط با اتباع سایر کشورها همان رفتاری را داشته باشند که در ارتباط با اتباع خود اعمال می‌کنند؛ ۲. اعضا می‌توانند در مورد حقوقی که در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۱ این معاهده پیش‌بینی شده است دامنه و مدت حمایت را در ارتباط با اتباع سایر کشورها تحت بند ۱ محدود به حقوقی سازند که به اتباع آن‌ها در آن کشور اعطا شده است؛ ۳. حکم مقرر در بند ۱ در ارتباط با یک عضو به آن گستره‌ای که عضو دیگر از حق شرط اجازه داده شده در بند ۳ ماده ۱۱ این معاهده استفاده کرده است صدق نمی‌کند. همچنین این بند در ارتباط با یک عضو به گستره‌ای که چنین شرطی را پیش‌بینی کرده است اعمال نمی‌شود.»

### 3. reciprocity

## اصل عدم تشریفات

یکی دیگر از اصولی که از معاهده پکن قابل استنباط است اصل عدم تشریفات است. ماده ۱۷ این معاهده بیان می‌دارد: «اعمال و بهره‌برداری از حقوق مقرر شده در این معاهده منوط به انجام دادن هیچ‌گونه تشریفات نیست.» این اصل نقطه مقابل کنوانسیون رم است. ماده ۱۱ این کنوانسیون به کشورها اجازه داده بود تشریفات را با هدف اعمال حقوق پیش‌بینی کنند. در واقع اصل عدم تشریفات در معاهده پکن مانند ماده ۲۰ معاهده حقوق مرتبط واپیو است و این معاهده هم اعمال حقوق را منوط به تشریفات ندانسته است (WIPO, 2006: 66).

## محتوای معاهده

در این ارتباط می‌توان مطالب مطرح شده در معاهده را به چند قسمت تقسیم کرد:

۱. ۱۹ ماده‌ای که قبلاً در اجلاس سیاسی ۲۰۰۰ تصویب شده بود؛
۲. ماده ۱۲ جدید در موضوع انتقال حقوق اجراکننده؛
۳. مقررات نهایی و اداری؛
۴. یادآوری اهمیت توصیه‌نامه ۴۵ ماده‌ای مصوب واپیو در سال ۲۰۰۷ در مقدمه معاهده؛
۵. بندهای موافقت‌شده در ماده ۱ معاهده؛
۶. بند موافقت‌شده در ماده ۲ معاهده در موضوع تعریف اجراکننده؛
۷. بند موافقت‌شده در ماده ۱۵ معاهده درباره رابطه میان اقدامات حمایت فنی و استثنائات و محدودیت‌ها؛

## مواد موضوع اجلاس سیاسی ۲۰۰۰

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، مواد اجلاس سال ۲۰۰۰ موضوع مذاکرات کنفرانس ۲۰۱۲ پکن نبود و عموماً از مدل معاهده حقوق مرتبط واپیو پیروی می‌کرد و حقوق حداقلی برای اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری در نظر گرفته بود که عبارت‌اند از: حقوق معنوی؛ شامل حق انتساب و حق تمامیت اثر به شرح آتی؛

حقوق مادی؛ در زمینه اجرای ضبط‌نشده شامل حق تثبیت، حق پخش رادیو- تلویزیونی، ابلاغ عمومی؛ در زمینه اجرای ضبط‌شده شامل حق تکثیر، حق توزیع، حق اجاره، حق در معرض استفاده عموم قرار دادن، حق پخش رادیو- تلویزیونی، حق ابلاغ عمومی (WIPO, 2008: 6-8).

این حقوق می‌توانند با اطلاع قبلی و با دریافت حق قانونی پاداش منصفانه در قبال استفاده از اجرای دیداری- شنیداری ضبط‌شده در یک حامل مادی واگذار شوند. همچنین کلیه مقررات مربوط به محدودیت‌ها و استثنائات، مدت حمایت پنجاه ساله و اقدامات فناورانه، اطلاعات مدیریت حقوق<sup>۲</sup> و ضمانت اجرا که در واقع مهم‌ترین مقررات آن به حساب می‌آیند نیز از همان الگوی معاهده حقوق مرتبط واپیو پیروی کرده است. البته در خصوص حق معنوی تمامیت اثر تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد؛ به این صورت که حرمت و تمامیت اثر با توجه و متناسب با ماهیت و نوع ضبط و تثبیت در نظر گرفته می‌شود. در ادامه به بررسی دقیق‌تر این مواد می‌پردازیم.

**قلمرو مفهومی اجراکننده (ماده ۱ و ۲):** مواد ۱ و ۲ مواد مقدماتی‌اند و دربرگیرنده تعریف برخی واژگان کلیدی به کاررفته در معاهده هستند. یک بند مهم در ماده ۲ تعریف اجراکننده است که از سوی اعضا مورد پذیرش قرار گرفت. قبل از اینکه معاهده پکن به کشورهای مربوطه ارائه شود، نمایندگان ایالات متحده آمریکا با تصویب چنین معاهده‌ای مخالفت کردند با این استدلال که به علت ابهامات موجود در قلمرو مفهومی مواد ۱ و ۲ چنین معاهده‌ای هیچ تأثیر عملی بر حمایت از حقوق آثار دیداری- شنیداری ندارد و صرفاً به محدودیت بیشتر تولیدکنندگان این آثار منجر می‌شود. بر همین اساس، نماینده سازمان‌های پخش امریکای شمالی<sup>۳</sup> در

1. WIPO Development Agenda (2007)

2. RMI

3. Donald War

اجلاس سیاسی بیان داشت که نتیجه چنین معاهده‌ای در عمل تنها این خواهد بود که مسئولیت اجرایی سنگین‌تری را بر دوش سازمان‌های پخش قرار دهد و بنابراین در مواجهه با این نگرانی مذاکره‌کنندگان توافق کردند تعریف اجراکننده دقیق ارائه شود؛ به گونه‌ای که فقط محدوده اجراکنندگان را شامل شود و مواردی نظیر سیاهی‌لشکر را در بر نگیرد. چون این افراد در مفهوم خاص اجراکننده یک اثر دیداری- شنیداری محسوب نمی‌شوند. معاهده به هر یک از اعضا این اختیار را می‌دهد که در قوانین ملی خود حمایت‌هایی را برای سیاهی‌لشکرها پیش‌بینی کنند. پیش‌بینی این امر در نتیجه تلاش‌های سازمان بین‌المللی هنرمندان فیا بود (Ficsor, 2023: 6). تعریف اجراکننده در معاهده پکن نظیر تعریفی است که در معاهده حقوق مرتبط وایپو پیش‌بینی شده بود. ولی دو تفاوت عمده با معاهده قبلی دارد: اول اینکه هنرهای تفسیری به لیست اجراها اضافه شده‌اند و دوم اینکه کسانی که به اجرای نمودهای فرهنگ عامه می‌پردازند نیز طبق معاهده مشمول حمایت قرار می‌گیرند.

**ذی‌نفعان معاهده (ماده ۳):** این ماده توضیح می‌دهد که ذی‌نفع معاهده پکن چه کسی است. در واقع یک اجراکننده دیداری- شنیداری در صورتی طبق این معاهده ذی‌نفع محسوب می‌شود که تبعه یکی از دولت‌های عضو آن باشد. در چنین صورتی، در هر حال مشمول حمایت قرار می‌گیرد، حتی اگر اقامتگاهش در یک کشور غیر عضو باشد.<sup>۱</sup>

**اصل رفتار ملی و حق دریافت پاداش منصفانه (ماده ۴):** ماده یادشده بیانگر رویه‌ای است که اعضا باید در ارتباط با اجراکنندگان دیداری- شنیداری سایر کشورهای عضو اعمال کنند و پیش‌تر بدان اشاره شد. حقوق مادی که در معاهده به اجراکنندگان اعطا شده است به آن‌ها حق دریافت پاداش منصفانه در قوانین متفاوت را اعطا می‌کند.

**حقوق معنوی اجراکننده (ماده ۵):** این ماده مربوط به مذاکراتی سخت و پیچیده است که با هدف حقوق معنوی تعیین شد. طبق این ماده به اجراکنندگان دیداری- شنیداری حق بر شناخته شدن به عنوان اجراکننده محصولات دیداری- شنیداری‌شان اعطا شده است. این ماده نظیر ماده ۵ معاهده حقوق مرتبط وایپو است. اما استثنائی که در این ماده در مقایسه با معاهده یادشده آمده است این است که در جایی که شناخته نشدن به دلیل روش استفاده از اجرا باشد اجراکنندگان نمی‌توانند حقوق معنوی خود را اعمال کنند. پیش‌بینی چنین استثنائی از این جهت مهم است که به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد بتوانند به منظور حفظ یکپارچگی یک اثر، هر جا که بخواهند، هویت یک اجراکننده را اعلام نکنند. ماده ۵ همچنین به اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری این قدرت را اعطا می‌کند که با هر نوع تحریف مادی اجراهای ضبط‌شده‌شان که احتمال دارد به شهرتشان آسیب وارد کند مقابله کنند. حقوق معنوی که در بند اول به اجراکنندگان اعطا شده به موجب نص صریح بند دوم تا بعد از فوت آن‌ها حداقل تا زمان انقضای حقوق مادی آن‌ها ادامه خواهد داشت و اشخاص یا سازمان‌هایی که از سوی قانون عضوی که حمایت در آنجا ادعا شده کنترل می‌شود. با این حال آن اعضایی که قوانین آن‌ها، در زمان الحاق یا تصویب معاهده، حمایت بعد از فوت را در ارتباط با همه حقوق درج‌شده در بند قبل اعمال نمی‌کنند ممکن است مقرر بدانند که فقط برخی از حقوق در زمان کشور عضو که حمایت در آن ادعا شده است کنترل می‌شود. پس ماده ۵ معاهده پکن همچون معاهده حقوق مرتبط وایپو دو حق ابوت<sup>۲</sup> و انتساب اثر را برای اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری مقرر می‌دارد (FIA, 2013: 16)؛ هرچند اعلامیه توضیحی، که ضمیمه این ماده وجود دارد، اعمال حق انتساب را به شدت محدود می‌کند.<sup>۳</sup> این بدان معناست که اعمال حقوق معنوی در معاهده پکن، برخلاف معاهده قبلی وایپو که به نوازندگان موسیقی حق رویارویی با هر نوع تغییری را که ممکن است به اعتبارشان آسیب وارد کند اعطا می‌کند، از طریق فهرست کردن استثنائاتی که مرتبط با زمان بهره‌برداری عادی از اجراست

۱. شایان ذکر است عبارات این ماده نظیر ماده ۲(۳) معاهده برن است.

## 2. paternity rights

۳. این اعلامیه بیان می‌دارد: «در زمینه هدف این معاهده و بدون توجه به هر معاهده دیگر، این امر مورد توافق است که با توجه به ماهیت ضبط دیداری- شنیداری و تکثیر و توزیع آن‌ها و اصلاح اجرا که در مدت بهره‌برداری عادی از اجرا ایجاد می‌شود، مثل ویراست، فشرده‌سازی، صداگذاری (دوبله)، یا فرمت کردن در یک رسانه یا قالب جدید یا موجود و آن تغییراتی که در مدت بهره‌برداری اجازه داده شده از سوی اجراکننده انجام می‌گیرد، تغییرات در مفهوم بخش ۲ بند ۱ ماده ۵ محسوب نمی‌شوند. در واقع طبق این ماده فقط تغییراتی ممنوع دانسته شده‌اند که به طور عینی به اعتبار اجراکننده خدشه وارد می‌آورد. به‌علاوه از این ماده نیز برداشت می‌شود که استفاده صرف از رسانه یا فناوری جدید یا تغییر داده‌شده با مفاد این ماده ناسازگار نیست.»

محدود شده است. این لیست شامل حق بر اصلاح، ویرایش، فشرده‌سازی، صداگذاری، و قالب‌بندی می‌شود و قصد بر این بوده است که به نحو غیر جامع تنظیم شود. این حقوق می‌توانند بخشی از دوره عادی بهره‌برداری از اختراع تلقی شوند و مشمول زمان استفاده اجازه داده شده از سوی اجراکننده قرار بگیرد. به علاوه در این زمینه معاهده پکن از رویه و سنت بین‌المللی قبلی که وجود داشت و بیان می‌داشت ضرر باید عینی<sup>۱</sup> و اساسی<sup>۲</sup> باشد جدا می‌شود (LaFrance, 2015: 81-84). در واقع با توجه به این استثنا که بر حق ابوت وارد شده است می‌توان نتیجه گرفت این معاهده حقوق معنوی کمتری به اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری اعطا می‌کند.

**حق مادی ضبط اجرا (ماده ۶):** این ماده به وضوح با هدف شناسایی حق بر اجرای زنده (مستقل) گام برداشته است. به موجب این ماده، اجراکنندگان حقوق مادی انحصاری محدودی در زمینه اجرای ضبط نشده اعطا می‌کند که شامل حق کنترل مخابره به عموم ضبط اجراهای زنده‌شان است. بر اساس این ماده، اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری حق مدیریت مستقیم و غیر مستقیم و تکثیر اجراهای ضبط نشده را دارند. پرواضح است که چنین حقی نظر به ماهیت مادی آن می‌تواند موضوع قراردادهای میان اجراکننده و سیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گیرد، لیکن در فرض عدم وجود چنین قراردادهایی مفاد این ماده حاکمیت دارد.

**حق مادی تکثیر (ماده ۷):** طبق این ماده، اجراکننده از حق مادی تکثیر، چه به صورت مستقیم چه به صورت غیر مستقیم، به هر شیوه و شکل برخوردار است. ذکر انواع تکثیر یادشده در این ماده به منظور گسترش اختیارات قانونی اجراکننده جهت امکان کنترل هر چه بیشتر بر انحصار تکثیر توسط دیگران است. مشابه چنین ماده‌ای در ماده ۷ معاهده حقوق مرتبط وایپو نیز آمده است. ماده ۷ وایپو استثنای استفاده منصفانه را در ارتباط با حق انحصاری توزیع در محصولات دیداری- شنیداری نیابورده است. گرچه ماده ۹(۲) کنوانسیون برن عبارتی را به کار برده است که چنین استثنایی را بر حق انحصاری تکثیر مورد پذیرش قرار می‌دهد، این معاهده تعیین استانداردهای مناسب در این زمینه را به عهده دولت‌های عضو گذاشته است.

**حق مادی توزیع (ماده ۸):** این ماده حق انحصاری کنترل توزیع و فروش اجراهای ضبط شده را به اجراکنندگان اعطا می‌کند. قلمرو اعمال این ماده فقط در مورد اولین فروش کپی یک اجرای دیداری- شنیداری ضبط شده است. بعد از اولین فروش هر کشوری مجاز خواهد بود که قواعد اضافی را مقرر کند که به اجراکنندگان حق دریافت پاداش منصفانه را در ازای انتقال‌های بعدی اعطا کند.

**حق مادی اجاره (ماده ۹):** این ماده درباره حق انحصاری اجراکنندگان در زمینه کنترل عاریه و اجاره کپی‌های ضبط شده اجرائشان است. با وجود اینکه این موضوع در حقوق اتحادیه اروپا بدیهی بود و در دستورالعمل عاریه و اجاره اتحادیه اروپا آورده شده بود، در قوانین ایالات متحده این موضوع پیش‌بینی نشده بود (Bernard, 2002: 1107). با عنایت به این نکته، مذاکره‌کنندگان معاهده استثنائی را بر این حق انحصاری پیش‌بینی کردند که به هر یک از اعضا اجازه می‌داد در صورتی که اجاره تجاری منجر به کپی‌برداری‌های گسترده از اجراهای ضبط شده نشود و بر حق تکثیر اجراکنندگان اثر نگذارد، بتوانند این موضوع را در قوانین خود نیابورند. پیش‌بینی چنین استثنائی به دلیل اعمال نظر مذاکره‌کنندگان آمریکایی بود. زیرا صنعت فیلم در آمریکا سالیانه درآمدهای زیادی از اجاره محصولات دیداری- شنیداری به دست می‌آورد (Leaffer, 1999: 8-12). گفتنی است یک چنین استثنای مشابهی در ماده ۱۱ تریپس هم پیش‌بینی شده است.

**حق در دسترس عموم قرار دادن (ماده ۱۰):** همان‌طور که ماده ۶ نقش مخابره دیجیتال را در توزیع مصادیق کپی‌رایتی به رسمیت می‌شناسد، ماده ۱۰ به اجراکنندگان این حق انحصاری را می‌دهد که تنها خود بتوانند از طریق ابزارهای باسیم یا بی‌سیم، همچون اینترنت و فضای مجازی، اجراهای ضبط شده‌شان را در دسترس عموم قرار دهند.

**حق پخش رادیو- تلویزیونی و ارسال عمومی (ماده ۱۱):** طبق این ماده، اعضا توافق کرده‌اند که به اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری حق انحصاری کنترل بر عرضه و پخش رادیو- تلویزیونی اجراهایشان را اعطا کنند. معاهده مخابره به

عموم را به گونه‌ای تعریف می‌کند که هم اجراهای ضبط‌شده هم اجراهای ضبط‌نشده را، که از طریق هر رسانه‌ای منتقل می‌شود، در بر می‌گیرد. این تعریف از دو جهت واجد اهمیت است. یکی اینکه معاهده به اجراکنندگان دیداری- شنیداری حق انتشار اجراهایشان را اعطا می‌کند، چه این اجراها از ابتدا ضبط شده باشند چه نشده باشند. به‌علاوه با آوردن عبارت «انتقال از طریق هر رسانه‌ای» معاهده به اجراکنندگان اجازه می‌دهد ارسال برخلاف اجراهایشان را نیز کنترل کنند. تنها استثنای برحق فوق حق بر بازپخش است. چنین استثنای مشابهی در ماده ۶ معاهده حقوق مرتبط وایپو نیز آمده است. طبق قسمت دوم ماده ۱۱ اعضا می‌توانند نظام حق دریافت پاداش منصفانه را پیش‌بینی کنند. چنین نظامی شامل پیش‌بینی طرح‌های ضروری به منظور تبیین استفاده‌های یادشده از مضامین دیداری- شنیداری و وصول درآمدهای حاصل‌شده از این آثار می‌شود. این استثنا بار اجرایی را که بر عهده سازمان‌های پخش قرار دارد کاهش می‌دهد و دعاوی جبران خسارت انتقال اجراهای اجراکنندگان را تضمین می‌کند (WIPO, 2000: 1108).

**مدت حمایت (ماده ۱۴):** ماده یادشده مدت حمایت پنجاه ساله را برای اجراهای دیداری- شنیداری در نظر می‌گیرد که این مدت از زمانی که اولین ضبط به عمل آمده است آغاز می‌شود. این مدت حمایت مشابه همان مدتی است که در معاهدات حقوق مرتبط وایپو و تریپس پیش‌بینی شده بود.

**مقابله حقوقی با اقدامات فنی ناقض حق (ماده ۱۵):** ماده یادشده درباره الزامات مربوط به تدابیر فنی است که اعضا باید بدان پای‌بند باشند. طبق این ماده هر یک از اعضا ملزم‌اند تدابیر قانونی و ضمانت اجراهای حقوقی مناسب و کافی علیه دور زدن تدابیر فنی، همچون شکستن قفل اجراهای ضبط‌شده، به کار گیرند. با وجود اینکه این ماده دقیقاً مشخص نمی‌کند کشورهای عضو چه اقدامات قانونی را باید در این زمینه انجام دهند، مقرر می‌دارد که ضمانت اجراها باید به گونه‌ای پیش‌بینی شود که قدرت بازدارندگی قوی داشته باشد و مجازات‌های کافی در قبال انجام دادن اعمال ممنوعه را پیش‌بینی کند. از پیش‌بینی چنین ماده‌ای می‌توان فهمید که تدوین‌کنندگان معاهده به اهمیت درج قوانین مؤثر و بازدارنده و تأثیر مثبت هماهنگ‌سازی در سطح بین‌المللی بر تجارت الکترونیک اجراهای دیجیتالی شده به‌خوبی واقف بوده‌اند (Reinbothe & Lewinski, 2015: 544).

**حقوق مدیریت اطلاعات (ماده ۱۶):** موضوع این ماده مربوط به حقوق مدیریت اطلاعات است که هر یک از اعضا را ملزم می‌دارد برای اجراکنندگان آثار دیداری- شنیداری تدابیر متناسب قانونی پیش‌بینی کنند که بتوانند علیه هر شخصی که عمداً اعمال ممنوعه مقررشده در بند ۱ را انجام می‌دهد اقامه دعوا کنند. اعمال ممنوعه شامل حذف هر نوع حقوق مدیریت اطلاعات بدون کسب رضایت اجراکننده دیداری- شنیداری و توزیع و پخش یا مخابره عمومی بدون رضایت اجراکننده دیداری- شنیداری است، با علم به اینکه حقوق مدیریت اطلاعات از این طریق نقض می‌شود. پیش‌بینی نهاد حقوق مدیریت اطلاعات برای کشورها کاملاً اختیاری است. گفتنی است طبق این ماده فقط در صورتی که چنین اطلاعاتی به یک اثر دیداری- شنیداری ضمیمه شده باشد اعضا ملزم‌اند ضمانت اجرای نقض چنین حقوقی را پیش‌بینی کنند.

### انتقال حقوق مادی اجراکننده (ماده ۱۲ جدید)

موضوع این ماده که درباره پیش‌فرض انتقال خودکار حقوق مادی اجراکننده به تهیه‌کننده است مانعی مهم در انعقاد معاهده تا سال ۲۰۱۲ بود و از این رو به‌هیچ‌وجه در اجلاس سیاسی سال ۲۰۰۰ مورد مذاکره قرار نگرفت. ولی به‌طور غیررسمی بار دیگر از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ مورد مذاکره واقع شد و در نهایت در ژوئن ۲۰۱۱ در کمیته دائمی حقوق مؤلف و حقوق مرتبط مورد توافق اعضا قرار گرفت. نزاع‌ها در مورد انتقال حقوق قبل از اینکه صد و بیست کشور در ژنو گرد هم آیند نیز وجود داشت (Lewinski, 2012: 3, 4). مذاکره‌کنندگان ایالات متحده و اتحادیه اروپا هر دو می‌دانستند که دیدگاه‌های شخصی‌شان کاملاً مجزا از یک‌دیگر است و در نهایت یک دیدگاه در معاهده می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. در نهایت ماده ۱۲ معاهده پکن بدین صورت تنظیم شد که این امکان را برای کشورهای عضو معاهده فراهم کرده است که رابطه بین اجراکننده و تهیه‌کننده را، که در این معاهده به عنوان حق انحصاری برای اجراکننده در نظر گرفته شده است، آن‌گونه که قوانین داخلی‌شان مقرر کرده است تعیین کنند (Lewinski, 2012: 4, 5).

بر اساس بند اول این ماده، کشورهای عضو می‌توانند در قوانین داخلی‌شان مقرر کنند در جایی که اجراکننده در ارتباط با تثبیت اجرائیش در حامل دیداری- شنیداری رضایت خود را ابراز کند، حقوق انحصاری مقرر در مواد ۷ تا ۱۱ به عنوان یک پیش‌فرض اولی به مالکیت تهیه‌کننده درآید یا اجرای این حقوق در اختیار تهیه‌کننده باشد یا این حقوق به او منتقل شود، مشروط بر اینکه دو طرف خلاف آن را توافق نکرده باشند. در نگاه اول ممکن است از مفهوم مخالف این ماده این‌گونه استنباط شود که پیش‌فرض مقررشده در حقوق کشورها باید از نوع پیش‌فرض قابل رد<sup>۱</sup> (مشابه اماره در فقه) باشد و پیش‌فرض غیر قابل رد یا همان فرض حقوقی<sup>۲</sup> طبق این ماده پذیرفتنی نیست. اما با مراجعه به مذاکرات مقدماتی تصویب معاهده درمی‌یابیم که با توجه به وجود قید «آن‌گونه که در قانون داخلی کشورها تعیین و پیش‌بینی می‌شود» در این ماده برداشت نمایندگان دایر بر این بود که نه‌تنها پیش‌فرض اشاره‌شده در معاهده، یعنی اماره قابل رد، بلکه دیگر پیش‌فرض‌ها، همچون فرض حقوقی یا دیگر راه‌حل‌ها، چنانچه در قوانین داخلی کشورها پیش‌بینی شده باشد، نیز معتبر هستند. برداشت یادشده در اجلاس سیاسی ۲۰۱۲ مورد موافقت ژاپن و اتحادیه اروپا و امریکا قرار گرفت. اتحادیه اروپا ماده ۱۲ را این‌گونه تفسیر می‌کند که در خصوص حقوق انحصاری وضع شده برای اجراکننده در معاهده اینکه رابطه بین اجراکننده و تهیه‌کننده در این امر چگونه باشد به طور کامل به قانون داخلی کشورهای عضو محول شده است و قوانین می‌توانند انواع پیش‌فرض‌ها را در نظر بگیرند و حتی با توجه به به‌کارگیری فعل کمکی اختیاری و غیر امری «می‌تواند»<sup>۳</sup> در ماده یادشده می‌توان گفت قوانین داخلی کشورها این اختیار را دارند که هیچ پیش‌فرضی را هم پیش‌بینی نکنند و درباره این موضوع به طور کامل سکوت اختیار کنند و آن را به اراده طرفین در قرارداد واگذارند (USPTO, 2012: 1-3).

### نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، روشن است که حمایت از اجراکنندگان، به‌ویژه در حوزه آثار دیداری- شنیداری، تا پیش از تصویب معاهده پکن در سال ۲۰۱۲، با خلأهای حقوقی و محدودیت‌های قابل توجهی مواجه بوده است. کنوانسیون رم ۱۹۶۱ و معاهده حقوق مرتبط ۱۹۹۶ گرچه گام‌هایی ابتدایی در جهت شناسایی حقوق اجراکنندگان برداشتند، نتوانستند به طور جامع نیازهای نوظهور این گروه را در عصر رسانه‌های دیجیتال و گسترش خدمات دیداری- شنیداری پوشش دهند. معاهده پکن نقطه عطفی در تحول حقوق بین‌الملل مالکیت فکری محسوب می‌شود. این معاهده نه‌تنها حقوق مادی اجراکنندگان را در اجراهای ضبط‌شده و ضبط‌نشده به رسمیت شناخته، بلکه با شناسایی حقوق معنوی جایگاه فرهنگی و شخصی اجراکنندگان را نیز تقویت کرده است. اصل رفتار ملی، که در این معاهده پیش‌بینی شده، تضمین می‌کند که اجراکنندگان کشورهای مختلف از حمایت برابر در کشورهای عضو برخوردار شوند. این امر گامی مهم در جهت عدالت حقوقی و همگرایی مقررات بین‌المللی است. از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری معاهده در اجازه به کشورها برای درج فرض انتقال حقوق مادی در قوانین ملی نشان‌دهنده درک واقع‌گرایانه از ساختارهای تولید و نیازهای صنعتی است. همچنین، توجه به تدابیر فنی حمایت و حقوق مدیریت اطلاعات، نشان‌دهنده تلاش برای تطبیق با چالش‌های فضای مجازی و تضمین حقوق اجراکنندگان در بسترهای دیجیتال است. در مجموع، معاهده پکن، با نوآوری‌های حقوقی و فنی خود، گامی مؤثر در جهت تقویت جایگاه اجراکنندگان در نظام حقوقی بین‌المللی برداشته و در پایان باید گفت الحاق کشور ما به این معاهده را باید گام بزرگی در ترسیم و تحدید مفهوم اجراکننده و کیفیت و چگونگی حمایت از این فعالان حوزه مالکیت فکری قلمداد کرد.

1. presumption  
2. fiction  
3. may

## منابع

- حدادی، مهدی و احدی کرنق، علی (۱۳۹۶). بررسی ماهیت و ابعاد «عمل متقابل» در قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی. حقوق خصوصی، ۱۴(۲)، ۳۲۵ - ۳۴۶. Doi: 10.22059/jolt.2018.228302.1006314
- صادقی، محسن و سلیمان‌زاده، سمیرا (۱۳۹۴). جایگاه اصل رفتار ملی در مقررات ایران و سازمان جهانی تجارت در حوزه مقررات بازار اوراق بهادار. پژوهش‌های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، ۱۹(۱)، ۵۱ - ۶۹. SID. <https://sid.ir/paper/94191/fa>
- صادقی، محمود و پورمحمدی، شیما (۱۳۸۶). حقوق اجراکنندگان آثار هنری و ادبی. نامه مفید، ۱۳(۶۱ (نامه حقوقی))، ۵۱ - ۷۶. SID. <https://sid.ir/paper/3452/fa>
- کشاورز، علی و خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۱). قاعده‌گزینی شناسایی و حمایت از حق اجرای عمومی در آثار ادبی و هنری در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۵)، ۱۷۰ - ۱۹۹. Doi: 10.22034/law.2022.538323.1110
- Arnold, R. (1997). *Performers' rights*. 2<sup>nd</sup> ed. London: Sweet & Maxwell.
- Bernard, A. (2002). The proposed new WIPO treaty for increased protection for audiovisual performers: Its provisions and its domestic and international implications. *Fordham Intellectual Property, Media & Entertainment Law Journal*, 12(4), 1090-1118.
- Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886). Berne.
- Chairman of the Standing Committee on Copyright and Related Rights (2000, August 1). *Basic proposal for the substantive provisions of an instrument on the protection of audiovisual performances to be considered by the diplomatic conference* (U.N. Doc. IAVP/DC/3). Geneva: WIPO.
- Electronic Information for Libraries (EIFL) (2013, June). *The Beijing Treaty on Audiovisual Performances: An EIFL briefing for libraries* [Brochure]. EIFL.
- Ficsor, Mihály (2012). Beijing Treaty on Audiovisual Performances: First Assessment of the Third WIPO "Internet Treaty". <http://www.copyrightseesaw.net/en/papers?page=6> accessed 20 January 2025.
- Haddadi, M. & Ahadi Karnagh, A. (2017). Review of the Nature and Aspects of "Reciprocity" in the Act of the Jurisdiction of the Iranian Judiciary on Civil Claims against Foreign States. *Private Law*, 14(2), 325-346. Doi: 10.22059/jolt.2018.228302.1006314 (in Persian)
- International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations (Rome Convention). (1961). Rome.
- International Federation of Actors (FIA). (2013). *A FIA guide to the WIPO Beijing Treaty on Audiovisual Performances*. Brussels: FIA.
- Keshavarz, A. & Khaghani Esfahani, M. (2022). Rule-formulation regarding Recognition and Protection of the Right of Public Performance Dealing with Literary and Artistic Works in Iranian Law and International Instruments. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 5(15), 170-199. Doi: 10.22034/law.2022.538323.1110 (in Persian)
- LaFrance, M. (2015). Are we serious about performers' rights?. *IP Theory*, 5(1), 81-93.
- Leaffer, M. (1999). *Understanding copyright law*. 3<sup>rd</sup> ed. § 12.11. Newark, NJ: LexisNexis.
- Masouyé, C. (1981). *Guide to the Rome Convention and to the Phonograms Convention*. Geneva: WIPO.
- Pessach, G. (2014). *The Beijing Treaty on Audiovisual Performances – The return of the North?*. Jerusalem: Hebrew University of Jerusalem Faculty of Law.
- Reinbothe, J. & von Lewinski, S. (2015). *The WIPO Treaties on Copyright: A Commentary on the WCT, the WPPT, and the BTAP*. Oxford University Press.
- Sadeghi, M. & Pour Mohammadi, S. (2007). Performers' rights. *Nameh-ye-Mofid*, 13(1(61)), 51-76. (in Persian)
- Sadeghi, M. & Soleymanzadeh, S. (2015). The Status of National Treatment in Iranian Law and World Trade Organization Regulations in Securities Exchange Section. *Comparative Law Researches* (Modares Human Sciences), 19(1), 51-69. SID. <https://sid.ir/paper/94191/en> (in Persian)
- Shinall, M. A. (2013). The Beijing Treaty on free expression: How stopping digital piracy may cost the world free expression. *Boston College International & Comparative Law Review*, 36(1), 106-114.
- Standing Committee on Copyright and Related Rights (SCCR) Secretariat. (2009). *Background document on the main questions and positions concerning the international protection of audiovisual performances*. Geneva: WIPO.
- The International Federation of Actors (2013). *The moral rights of performers: The current situation*. FIA.
- Travis, H. (2013). WIPO and the American Constitution: Thoughts on a new treaty relating to actors and musicians. *Vanderbilt Journal of Entertainment & Technology Law*, 15(1), 47-101.
- United States Patent and Trademark Office (USPTO) (2012). WIPO AVP Treaty - Background and Summary. Accessed on 15 June 2024.
- von Lewinski, S. (2012). *The Beijing Treaty on Audiovisual Performances* (Max Planck Institute for Intellectual Property and Competition Law Research Paper No. 13-08). Munich: Max Planck Institute.

- World Intellectual Property Organization (WIPO) (1996). WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT). Geneva: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2007). *The WIPO Development Agenda*. Geneva: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (WIPO) (2015). *Copyright and related rights: Introduction to the international legal framework*. Singapore: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2015, April 27–29). *WIPO regional workshop on the opportunities and challenges in the implementation of the Beijing and Marrakesh Treaties*. Singapore: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (1996, December 20). *Resolution concerning audiovisual performances* (WIPO Doc. CRNR/DC/99). Geneva: Diplomatic Conference on Certain Copyright and Neighboring Rights Questions.
- World Intellectual Property Organization (1996, December 20). *Resolution concerning audiovisual performances: Adopted by the Diplomatic Conference on Certain Copyright and Neighboring Rights Questions*. Geneva, December 2–20, 1996 (CRNR/DC/99). Geneva.
- World Intellectual Property Organization (2008). *Summary of the outcome of the national and regional seminars on the protection of audiovisual performances and stocktaking of positions* (Document SCCR/17/3). Geneva: WIPO. Retrieved from [http://www.wipo.int/meetings/en/doc\\_details.jsp?doc\\_id=110712](http://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=110712)
- World Intellectual Property Organization (2011). *General Assembly, fortieth session: Report* (WO/GA/40/19, para. 135). Geneva: WIPO.
- World Intellectual Property Organization (2011, December 9). *Report of the twenty-second session* (SCCR/22/18). Standing Committee on Copyright and Related Rights, Geneva.
- World Trade Organization (WTO). (1994). *Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights* (TRIPS). Geneva: WTO.
- Zhou, Y. (2014). Moral Rights in the Information Society. *Beijing Law Review*, 5, 107-113. Doi: 10.4236/blr.2014.52010.